

# آرزویم این بود که جای عابدزاده باشم



سال پیش بعد از بازی با الاهلی در عربستان، یکی از روزنامه‌ها تیترو زده بود: «محمدی شیر عربستان» که فکر می‌کنم این‌ها بهترین تیتروهای بوده که تا به حال درباره خودم خوانده‌ام.

## علی پروین به خاطر من تاصبح نخواهد!

هیچ وقت دوست نداشته‌ام چه در زندگی و چه در فوتبال بازنده باشم حتی گاهی اوقات هم که با مهران گل کوچک بازی می‌کنیم، دوست ندارم ببازم! همیشه از بزرگان تجربه‌های زیادی را آموخته‌ام؛ مثلاً روحیه پیروزی طلبی‌ام را از علی پروین یاد گرفته‌ام. خاطریم هست یک روز با علی پروین زمانی که در باشگاه استیل آذین بودیم می‌خواستیم تک به تک تنیس فوتبال بازی کنیم (همان‌طور که می‌دانید علی پروین در این بازی بسیار حرفه‌ای است)، آن روز من از علی آقا بر دم. رفته‌ام خانه و آرش فرزین (داماد علی پروین) با من تماس گرفت و گفت علی آقا گفته: فراد زودتر بیاسر تمرین کارت دارم! فرادیش زودتر رفته سر تمرین و به علی آقا گفتم: «چیزی شده؟» او هم گفت: «بیا بریم تنیس فوتبال!» رفتم و آن روز من باختم، بعد از بازی علی آقا به من گفت: «بچه جون من به خاطر اینکه دیروز به تو باختم، تاصبح تونستم بخوابم!» این حس خیلی قشنگی است که همیشه دوست داشته باشی برنده باشی.

## عابدزاده هنرمند بود

به نظر من این نیمچه موفقیتی هم که توانسته‌ام در فوتبال داشته باشم را مدیون آرامشم هستم. همیشه سعی کرده‌ام از آرامش احمد رضا عابدزاده که دوست خوبم هست الگو برداری کنم، چرا که همین که بتوانی در شرایط سخت بازی به تیمت کمک کنی و روحیه بدهی، خودش خیلی هنر می‌خواهد و اعتماد به نفسی را می‌طلبد که می‌تواند همه جا کمک‌حالت باشد. همیشه سعی کرده‌ام، در مواقع سخت و زمانی که تیم تحت فشار است، با خندیدن و دست کشیدن سر هم تیمی‌ام به روحیه بازیکنان مان کمک کنم، البته به بازیکنان هم بستگی دارد، چون بعضی اوقات مجبور می‌شوی با یک فریاد زدن سر هم تیمی‌ات، به او و تیم شوک وارد کنی تا از زیر فشار خارج شوی.

اگر بخواهیم لیستی از بازیکنان بدون حاشیه و کم حرف فوتبال ایران در یک دهه گذشته تهیه کنیم، بی‌شک نام محمد محمدی در ابتدای این لیست دیده خواهد شد. دروازه بانی که بین همه اهالی فوتبال محبوب است، چه آن زمان که در لباس پرسپولیس بود و چه زمانی که به استقلال رفت و چه این روزها که در داماش گیلان مشغول به فعالیت است. دروازه بانی با تحصیلات عالی و بسیار مودب. گرچه چندی پیش حاشیه‌هایی را نیز پشت سر گذاشت اما این روزها تنها به فوتبال فکر می‌کند.

## آرامش در خانه

این را از کریم باقری یاد گرفته‌ام که وقتی دوش گرفتی و از ورزشگاه خارج شدی، چه برنده باشی چه بازنده، دیگر نباید به آن بازی فکر کنی؛ چرا که ۲ روز بعد به فکر بازی بعدی هستی. بنابراین اگر در یک بازی اشتباهی انجام داده باشی، باید تمام تمرکزت را بگذاری روی بازی بعدی‌ات تا دیگر اشتباه نکنی، نه اینکه بخواهی به خاطر آن اشتباه فکر را مشغول کنی و در بازی‌های بعدی‌ات هم همان اشتباهات را تکرار کنی! خود من وقتی بعد از بازی به منزل می‌آیم، سعی می‌کنم دیگر به آن فکر نکنم، خوشبختانه اهالی خانه‌مان هم زیاد فوتبالی نیستند و حداقل در خانه آرامش دارم.

## از سگا تاپ تاپ!

سطح توقع بچه‌های امروز با زمان ما خیلی فرق کرده؛ آن زمان شاید ما با یک آتاری یا حداکثر سگا خوشحال می‌شدیم و خودمان را سرگرم می‌کردیم اما بچه‌های این دوره و زمانه باید در اتاق‌شان حتماً انواع بازی‌های روز، لپ‌تاپ و کامپیوتر باشد، زیراتکنولوژی پیشرفت کرده و بچه‌ها در اینترنت جست‌وجومی‌کنند مثلاً پسر مهران مجبور است یکسری گزارش‌ها را به وسیله اینترنت تهیه کند. خاطریم هست زمانی که بچه بودم، بازی با چند جوراب به عنوان توپ فوتبال به همراه برادران ما را سرگرم می‌کرد اما الان مهران چون در خانه تنهاست، اغلب اوقات فرغتش را با درس، کامپیوتر و موسیقی پر می‌کند.

## تعریف پروین از من

زمانی که نوجوان بودم و در تیم «گسترش» بازی می‌کردم، چندبازی در روزنامه‌های مختلف عکس و اسامم را به عنوان بازیکن هفته و... زده بودند اما به خاطر نخستین تمرینی که با تیم پرسپولیس انجام دادم، یک روزنامه از قول علی پروین تیترو زده بود: «محمدی، عابدزاده دیگر فوتبال ایران.» همچنان یک

## تشکیل زندگی با قرارداد سایپا

سال ۶۹ اولین درآمد فوتبالی‌ام را از تیم نوجوانان گسترش که ماهانه هزار و ۲۰۰ تومان بود دریافت کردم، آن زمان پول‌هایم را جمع می‌کردم و به مادرم می‌دادم، الان هم که بزرگ‌تر شده‌ام، پول‌هایم را جمع می‌کنم و می‌دهم به همسر! (می‌خندد) همین‌جا باید از آقای دارا غزنوی، مدیرعامل وقت سایپا که باعث شد زندگی من متحول شود، کمال تشکر را داشته باشم، چرا که نخستین قرارداد حرفه‌ای در رده بزرگسالانم را زمانی منعقد کردم که ایشان مدیر باشگاه سایپا بود و خیلی حمایت می‌کرد. سال اول قراردادم ۶۰۰ هزار تومان بود به علاوه ماهانه ۳۵ هزار تومان حقوق (که خیلی نسبت به آن زمان پول خوبی بود). اما سال بعدش یک قرارداد ۲ ساله بستم که با پول آن، یک خانه خریدم، از دواج کردم و تشکیل زندگی دادم.

## زندگی با من سخت است

بیست سال داشتم که از دواج کردم؛ به نظر من از دواج هر زمانی که برای هر فردی اتفاق بیفتد، خوب است، اما برای یک فوتبالیست حرفه‌ای یا باید قبل از به شهرت رسیدنش اتفاق بیفتد یا اواخر دوران بازیگری یا بعد از دوران بازیگری. معتقدم از دواج در راه رسیدن به موفقیت خیلی کمک‌حلال من بود، زیرا یک ورزشکار حرفه‌ای همه چیزش از خواب و استراحت بگیرد تا آخر، باید حرفه‌ای باشد. من هم از این قاعده مستثنای نبودم و از اینکه با همسر از دواج کردم خوشحالم، البته زندگی کردن با یک ورزشکار یا هنرمند برای هر خانمی سختی‌های خاص خودش را دارد، اما برای خانمی که قرار است بچه‌داری کند و از طرف دیگر کارهای مربوط به منزل را هم انجام دهد، زندگی کردن با یک ورزشکار حرفه‌ای سختی‌های خودش را دارد، چون در شرایط عادی حداقل هفته‌ای یک شب را در اروهای تیم مان هستیم و آن‌چنان که باید وقت نمی‌شود در کنار خانواده مان باشیم.